

نوترکیبی قومیت در ژنوم ژئوپلیتیک افغانستان

سعادت شریفی‌پور^۱، علی‌علیزاده^۲، لادن بابائی^۳

پذیرش مقاله: ۱۴۰۴/۰۱/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۱۱/۰۸

چکیده

طالبان، از جمله پدیده‌های مهم در افغانستان و ژنوم ژئوپلیتیک این کشور محسوب می‌گردد. در مقاله حاضر شیوه پیدایش طالبان در ساختار ژنوم ژئوپلیتیک افغانستان مورد بررسی قرار می‌گیرد. به عبارت دیگر، جهش در یک ژن در ژنوم ژئوپلیتیک افغانستان تغییراتی ایجاد کرده است؛ در ترکیب ژن قومیت در این کشور به واسطه بروز جهش مذکور «بانک ژن» قومیت تغییرات عظیمی داشته است. این پژوهش از نظر رویکرد توصیفی-تبیینی است و داده‌های پژوهش با استفاده از منابع اسنادی و کتابخانه‌ای به دست آمده‌اند. تبیین مدل مفهومی با بهره‌گیری از مفاهیم حوزه ژئوپلیتیک و ژنتیک صورت گرفته است. بر اساس یافته‌های پژوهش ژن قومیت از آلل‌های پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک و سایر اقوام افغانستان تشکیل شده اما قومیت پشتون «ژن غالب» است. این ژن غالب در مواجهه با ایدئولوژی و آموزه‌های دیوبندی دچار تغییراتی شده و یک جهش در درون آن رخ داده است؛ این امر به پیدایش یک موجودیت جدید به نام طالبان منجر شده که یک گونه نوترکیب تلقی می‌شود.

واژگان کلیدی: ژنوم ژئوپلیتیک، قومیت، افغانستان، نوترکیب، جهش.

۱. دانش‌آموخته روابط بین‌الملل، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ج.ا.ایران (نویسنده مسئول).

رایانامه: saadatsharifi95@gmail.com

۲. دکترای علوم سیاسی، مدرس دانشگاه عالی دفاع ملی، تهران، ج.ا.ایران.

رایانامه: a_azad46@yahoo.com

۳. دانشجوی دکتری فیزیولوژی جانوری، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم تحقیقات، تهران، ج.ا.ایران.

رایانامه: ladan.babae@yahoo.com



۱. مقدمه

در سال‌های اخیر برخی از اساتید علم ژئوپلیتیک تلاش کردند مفهوم جدید «ژنوم ژئوپلیتیک» که از علم ژنتیک وام گرفته شده را در کنار سایر مفاهیم ژئوپلیتیک مورد استفاده قرار دهند. نویسندگان مقاله حاضر نیز ضمن گسترش مفهوم یادشده، از سایر مفاهیم و معادلات ژنتیکی برای توضیح مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی استفاده می‌کنند. مسئله اصلی این مقاله ارائه یک الگوی جدید برای توضیح تغییرات در برخی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک مبتنی بر آموزه‌های ژنتیکی است.

زمانی که تصمیمات سیاست خارجی و رفتارهای کلی دولت‌ها مورد مطالعه قرار می‌گیرد، گزاره‌های ژئوپلیتیک به عنوان عوامل تعیین کننده بررسی می‌شوند، از این گزاره‌ها تحت عنوان ژنوم ژئوپلیتیک یاد می‌شود. این واژه از ترکیب مفاهیم ژئوپلیتیک و ژنتیک ایجاد شده است.

در این پژوهش با بست و گسترش این مفهوم و نشان دادن چگونگی تغییر در یک ژن در علم ژنتیک و ایجاد شدن گونه‌های جدید جانوری به این مطلب پرداخته شده که در مقولات ژئوپلیتیکی نیز این رخداد قابل پیگیری است و این امکان وجود دارد که در طول زمان و بر اثر مؤلفه‌ها و عوامل محیطی برخی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک دستخوش تغییر شوند و در ساختار ژنوم ژئوپلیتیک یک کشور تغییر ایجاد کنند.

۲. پیشینه‌شناسی تحقیق

۲-۱. پیشینه تحقیق

«خلیلی» و همکاران در پژوهشی تحت عنوان «پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی: مطالعه موردی افغانستان و ج.ا.ایران» (۱۳۹۱) بحث‌های مربوط به ژنوم ژئوپلیتیک و کدهای ژئوپلیتیک را مطرح کرده‌اند. نویسندگان به عنوان مطالعه موردی ژن‌های ژئوپلیتیک افغانستان و ج.ا.ایران را مورد بررسی قرار داده و تأثیر آن‌ها بر یکدیگر را تبیین کرده‌اند.

«فتحی» و همکاران پژوهشی مشترک با عنوان «پیوند کد و ژنگان ژئوپلیتیک در سیاست خارجی: مطالعه موردی ج.ا.ایران و عربستان سعودی» (۱۳۹۷) را به انجام رسانده‌اند. در این پژوهش مباحث مربوط به ژنوم ژئوپلیتیک یک بازیگر و کدهای ژئوپلیتیک در طرف مقابل برای شکل‌دهی به سیاست خارجی مورد مطالعه قرار گرفته و رابطه ایران و عربستان سعودی به‌عنوان مطالعه موردی بررسی شده‌اند.

«صیادی» و همکاران در پژوهشی با نام «عوامل ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر تغییر نگاه سیاست خارجی ج.ا.ایران از غرب به شرق با تأکید بر روسیه بین سال‌های ۱۹۹۱-۲۰۱۶» (۱۳۹۶) مؤلفه‌های ژئوپلیتیک و شیوه تأثیرگذاری آن بر سیاست خارجی کشورها را بررسی کرده‌اند. در این پژوهش روابط ج.ا.ایران با روسیه طی سال‌های فوق‌الذکر به‌عنوان مطالعه موردی تجزیه و تحلیل شدند.

در پژوهش حاضر شیوه شکل‌گیری ژنوم ژئوپلیتیک و نحوه تغییرات آن مورد مطالعه قرار گرفته و برای اولین بار مفاهیم و قوانین علم ژنتیک جهت توصیف و تبیین مؤلفه‌های ژئوپلیتیک استفاده شده است؛ این مسئله نوآوری این پژوهش نسبت به موارد مشابه مذکور و سایر پژوهش‌های انجام‌شده، محسوب می‌گردد. نمونه مشابه توصیف و تبیین‌های صورت‌گرفته در این پژوهش در موارد جستجو شده توسط نویسندگان یافت نشد.

۲-۲. مفهوم‌شناسی

با توجه به اینکه در پژوهش حاضر از دو حوزه ژئوپلیتیک و ژنتیک برای ایجاد چارچوب مفهومی کمک گرفته شده و این دو رشته علمی فاصله زیادی از یکدیگر دارند، در این قسمت از پژوهش مفاهیم مورد استفاده مخصوصاً مفاهیم ژنتیکی تعریف می‌شود.

۲-۲-۱. ژن

«ژن» یک قطعه از DNA^۱ است که واحد وراثت خوانده می‌شود. ژن‌ها، وظایف خاصی مانند بروز ویژگی‌های ظاهری فرد یا رمز ساخت پروتئین را برعهده دارند. توالی

۱. اسید دزوکسی ریبونوکلیک

نوکلئونید^۱ها در ژن مانند یک رمز یا کد عمل می کنند که به سلول ها فرمان می دهد که چه زمانی و چگونه یک پروتئین خاص را بسازند.

پروتئین ساخته شده بر سایر کنش های سلول اثر می گذارد. برخی از ژن ها بر یک صفت خاص در یک جاندار اثر می گذارند و در مواردی چندین ژن به طور هماهنگ با یکدیگر کار می کنند تا صفاتی را قابل مشاهده یا ایجاد کنند (محمدپناه، ۱۳۸۹: ۸۰).

۲-۲-۲. آلل^۲

به ژن کنترل کننده یک صفت که در جایگاه مشخصی بر روی کروموزوم قرار دارد، «آلل» گفته می شود. برای صفات مختلف آلل های پدری و مادری به فرزند ارث می رسد و در صورت همسان بودن و یا همسان نبودن و نسبت های غالب و مغلوب آلل ها، کمیت و کیفیت بروز و ظهور صفت در فرزند تعیین می شود.

۲-۲-۳. مهندسی ژنتیک^۳

مهندسی ژنتیک به مجموعه روش هایی گفته می شود که مراحل زیر را دربر می گیرد:

- ❖ جداسازی یک ژن خاص،
- ❖ تکثیر ژن در محیط آزمایشگاهی یا سلول میزبان،
- ❖ ترجمه ژن،
- ❖ تولید محصول انبوه یا ایجاد صفت خاص در سلول هدف (محمدپناه، ۱۳۸۹: ۹۸).

۲-۲-۴. فنوتیپ^۴ و ژنوتیپ^۵

به خصوصیات ظاهری فرد، فنوتیپ اطلاق می شود. ژنوتیپ نوعی نمایش حروف ژنتیکی ژن ها است (محمدپناه، ۱۳۸۹: ۸۰).

1. Nucleotide
2. Allele
3. Genetic Engineering
4. Phenotype
5. Genotype

۵-۲-۲. جهش^۱

هرگونه تغییر در توالی درست ژن‌ها جهش نامیده می‌شود. برخی از دلایل جهش عبارت‌اند از: تشعشعات هسته‌ای، امواج فوق بنفش خورشید، ویروس‌ها، امواج الکترومغناطیس، تغییرات شدید محیط طبیعی، خوردن برخی مواد و عناصر (محمدپناه، ۱۳۸۹: ۹۱).

۶-۲-۲. انتخاب طبیعی^۲

هر موجود زنده تعدادی فرزند به دنیا می‌آورد ولی تنها آن‌هایی زنده می‌مانند و توانایی امتداد نسل پیدا می‌کنند که سازگارترین مشخصه‌ها را با شرایط زیستی داشته باشند (محمدپناه، ۱۳۸۹: ۱۳) این به معنای زنده ماندن قوی‌ترین‌ها نیست بلکه سازگارترها زنده می‌مانند. انتخاب طبیعی یک اتفاق نیست و حاصل تداوم و «برهم‌کنش»^۳ است.

۷-۲-۲. تراویخته^۴

تراویخته به جاندارانی اطلاق می‌شود که از نظر ژنتیکی دستکاری شده باشند. در این جانداران یک یا چند ژن در ژنوم طبیعی اضافه یا کم می‌شود که نوعی جهش غیرطبیعی محسوب می‌شود (محمدپناه، ۱۳۸۹: ۱۰۳).

۸-۲-۲. نظام‌های ژنتیکی

به مجموعه عوامل ژنتیکی که بر ساختار جمعیتی تأثیرگذار هستند، نظام‌های ژنتیکی گفته می‌شود. مسائلی مانند نوع تولید، ضریب بازترکیبی و پویایی جمعیت‌ها در این دسته قرار دارند (مایر، ۱۳۷۰: ۷۲).

۹-۲-۲. رقابت

در مفاهیم ژنتیکی یکی از مؤلفه‌های تعیین‌کننده سازگاری با محیط از سوی یک‌گونه، بحث رقابت است که توسط برخی از نویسندگان با عناوینی مانند «منازعه شدید» بیان شده است. این مفهوم ذهن را به‌سوی درگیری فیزیکی سوق می‌دهد درحالی‌که لزوماً این‌طور نیست

-
1. Mutation
 2. Natural Selection
 3. Intraction
 4. Transgenesis

بلکه رقابت برای باقی ماندن «ژن» و تعیین کنندگی در ترکیب «بانک ژنی» است. به عبارتی دیگر، هر گونه تلاش دارد با سازگارتر بودن و رشد و تعالی سریع تر، عرصه و منابع موجود را در اختیار گیرد. رقابت، یکی از گزینه‌های انتخاب طبیعی است (مایر، ۱۳۶۶: ۶۶-۶۷).

۱۰-۲-۲. انتخاب مصنوعی

انتخاب مصنوعی، انتخابی است که توسط انسان انجام می‌شود و به منظوری خاص صورت می‌گیرد. انتخاب مصنوعی را می‌توان تلاش انسان برای افزایش ژن‌های مناسب یا آمیزه‌ای از ژن‌ها در موجودات تعریف کرد که کهن‌ترین روش اصلاح نژاد توسط بشر است و در کشاورزی و دام‌پروری کاربرد زیادی دارد (سعادت و امیرشاهی، ۱۳۸۳: ۳۰۹-۳۱۰).

۱۱-۲-۲. تنازع بقا

مفاهیمی مانند «تنازع بقا»^۱ به معنای رقابت برای زنده ماندن است.

۱۲-۲-۲. تکامل خرد و کلان

تکامل خرد^۲ در سطح گونه است و تکامل کلان^۳ در سطوح بالاتر و عام‌تر از گونه^۴ رخ می‌دهد (علی بیگ، ۱۳۸۱: ۲۷-۵۲).

۱۳-۲-۲. ژئوپلیتیک^۵

ژئوپلیتیک، مطالعه تأثیر عوامل ثابت جغرافیایی مانند سرزمین، وسعت، موقعیت، شکل کشور و عوامل متغیر مانند جمعیت^۶، نهادهای سیاسی و قومیت^۷ بر سیاست‌گذاری‌ها و تصمیمات سیاسی است (عزتی، ۱۳۸۰: ۳). جغرافیا، تولیدکننده فرصت‌ها و محدودیت‌ها

-
1. Struggle for Existence
 2. Microevolution
 3. Macroevolution
 4. Species
 5. Geopolitics
 6. Population
 7. Ethnicity

است. انسان‌ها سعی می‌کنند ضمن استفاده از فرصت‌ها بر محدودیت‌ها غلبه کنند و یا محدودیت‌های دیگران را چنانچه در موقعیت رقیب باشند به فرصت تبدیل کنند و علیه آن‌ها به کار گیرند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۵۵).

پیوند میان مفاهیم ژئوپلیتیک و ژنتیک در تحلیل‌های سیاست خارجی و ساختار قدرت توسط برخی اندیشمندان بیان شده؛ از این میان مفاهیمی مانند «ژنوم ژئوپلیتیک» و «کد ژئوپلیتیک» به دست آمده است.

۱-۱۳-۲. ژنوم ژئوپلیتیک

در علوم زیستی حلقه نهایی که مانند رشته‌ای ریز همه کالبد را هماهنگ می‌کند، «ژنوم»^۱ است؛ درنهایت این ژنوم‌ها هستند که با دادن یک خصوصیت خاص به بافت‌ها و موجود زنده، آن موجود را دارای یک مشخصه خاص می‌کنند. اگر هر واحد سیاسی یک موجود زنده فرض شود، آنگاه خواهیم دید دارای بافت‌های متفاوتی مانند: ادیان، اقوام، هیدرولوژی، وسعت، جمعیت و... است؛ این موارد ازجمله ژنوم‌های تشکیل‌دهنده یک بافت هستند.

«ژنوم ژئوپلیتیک»، نقشه جغرافیایی ژنتیک سیاست یک کشور است که در تعیین رفتار نظام‌های سیاسی تأثیر بسزایی دارد. همان‌طور که انسان‌ها مطابق نقشه ژنتیک خود عمل می‌کنند، کشورها نیز بر اساس ژنوم ژئوپلیتیک خود رفتار می‌کنند (خلیلی، ۱۳۹۰: ۱۰۱).

۲-۱۳-۲. کد ژئوپلیتیک

در کنار ژنوم ژئوپلیتیک مؤلفه «کد ژئوپلیتیک» نیز مورد توجه است. دستور کار عملیاتی سیاست خارجی یک کشور در ماورای مرزهای خود، کد ژئوپلیتیک نام گرفته است. کدهای ژئوپلیتیک هر کشور مختص همان کشور است. کشورها سعی می‌کنند برای رسیدن به اهداف خود بر کدهای ژئوپلیتیک دیگران تأثیر بگذارند (حافظنیا، ۱۳۸۵: ۱۴۴).

هر کشوری بر اساس ژنوم‌های ژئوپلیتیک خود و کدهای ژئوپلیتیک رقبای خود اقدام به تعریف سیاست خارجی می‌کند و برای خنثی‌سازی کدهای ژئوپلیتیک رقیب بر اساس

بررسی‌هایی که از ژنوم‌های ژئوپلیتیک رقیب در اختیار دارد، «کدهای رفتاری سیاست خارجی» خود را برنامه‌ریزی می‌کند (خلیلی و دیگران، ۱۳۹۳: ۴۴).

۱-۲-۱۳-۲. کدهای ژئوپلیتیک محلی

کدهایی که توسط همه کشورها تعریف می‌شوند و همسایه‌های نزدیک اعم از دوست و دشمن را در برمی‌گیرند، کدهای ژئوپلیتیک محلی نام دارند (تیلور^۱، ۱۹۹۳: ۳۷). کد ژئوپلیتیک، نقشه‌ای است که به‌وسیله کشورها در رنگ‌های مختلف و بر اساس درجه دوستی و دشمنی با بازیگران مقابل، در روابط خارجی جهت نیل به منافع ملی ترسیم می‌شود (دیجکینک^۲، ۱۹۹۸: ۲۹۳).

۳-۲. چارچوب مفهومی

با نظر به تعاریف فوق در این نوشتار از مفاهیم تکمیلی برای مفهوم‌سازی لازم جهت تحلیل مسائل ژئوپلیتیک با الگوهای ژنتیکی استفاده شده است؛ می‌توان این‌گونه توضیح داد که یکی از فرایندهای مورداستفاده ژن‌ها در اثرگذاری بر فعالیت ژن‌های دیگر، جایگاهی است که در آن قرار دارند (متولی‌زاده، ۱۳۸۸: ۱۶). این را می‌توان به مؤلفه‌های ژئوپلیتیک نیز نسبت داد که جایگاه آن‌ها بر میزان تأثیرگذاری آن‌ها مؤثر است. در طبیعت و در ژنتیک یعنی از مؤلفه‌های طبیعی، انتخاب طبیعی است؛ بر اساس انتخاب طبیعی، همه فرگشت‌ها^۳ (تغییر در خصوصیت‌های وراثتی جانداران در طول نسل‌ها) و تغییرات جانداران مفید نیستند. در تاریخ حیات زمین میلیون‌ها موجود فرگشت یافته از بین رفته‌اند (محمدپناه، ۱۳۸۹: ۲۸). نسل همه موجودات به دلایلی تغییر می‌کند اما تنها موجوداتی زنده می‌مانند و می‌توانند به تولیدمثل خود ادامه دهند که تغییرات آن‌ها با تغییرات محیط طبیعی سازگار باشد (بنجامین^۴، ۲۰۰۸: ۸۷).

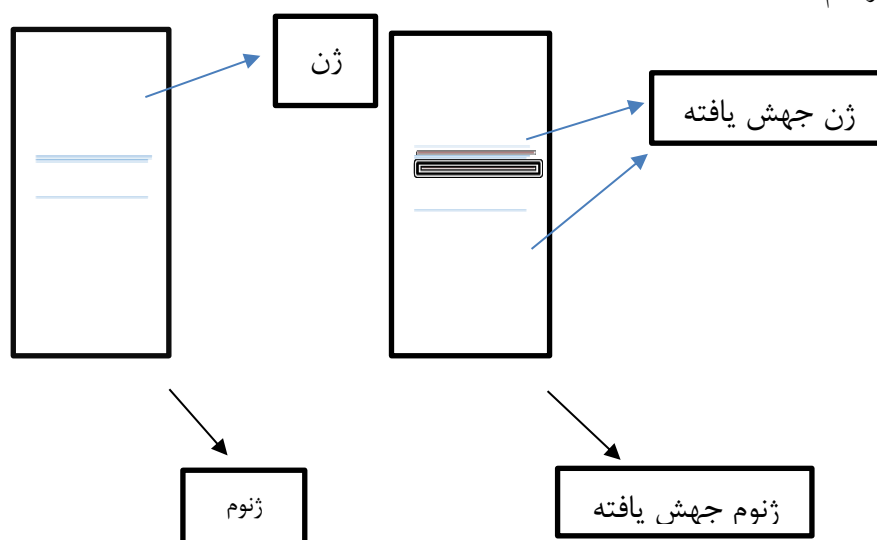
1. Taylor
2. Dijkink
3. Evolution
4. Benjamin

در ژئوپلیتیک و مؤلفه‌های آن نیز مواردی وجود دارد که مشابهت زیادی به مؤلفه‌های ژنتیکی دارند مانند انتخاب طبیعی؛ در ژئوپلیتیک نیز شاهد مواردی هستیم که در طول زمان دچار تغییرات جزئی یا کلی می‌شوند مانند الگوهای بارش، مؤلفه‌های تأثیرپذیر از تغییرات اقلیمی و همچنین انتخاب‌های مصنوعی نیز موجب تغییر در برخی مؤلفه‌های ژئوپلیتیک می‌شوند مانند بروز جنگ، نسل‌کشی^۱، جابجایی مرزها، از بین رفتن کشورها یا جدا شدن بخشی از یک کشور، تغییر ترکیب جمعیت، از دست رفتن یا اضافه شدن قابلیت‌های جدید ژئوپلیتیکی که به دست انسان و با اعمال تصمیمات انسانی در مؤلفه‌های ژئوپلیتیک رخ می‌دهد.

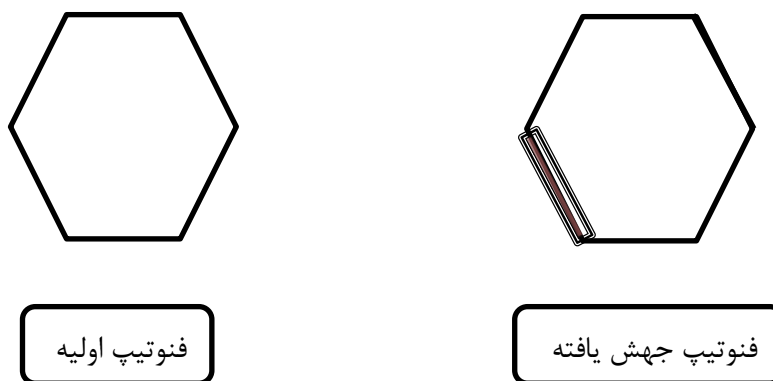
همان‌طور که در بخش تعریف مفاهیم آمده برای آن‌که در فنوتیپ یک جاندار تغییری رخ دهد ابتدا باید در ژنوتیپ آن که درواقع بیان عددی ژنوم آن موجود است، تغییر ایجاد گردد و از آنجاکه ژنوم مجموع ژن‌های یک جاندار است، تغییر باید در یک یا چند ژن ایجاد شود؛ ازاین‌رو پایه اولیه اقدام برای تغییر در فنوتیپ یا ظاهر یک جاندار، تغییر در ژن‌های آن است که این تغییرات از روش‌های مختلفی می‌تواند رخ دهد (انتخاب طبیعی، انتخاب مصنوعی، جهش، مهاجرت، نسل‌کشی). همه‌ی این موارد بانک‌های ژنی که همان جانداران برخوردار از ژن‌های مذکور هستند را مورد تغییر قرار می‌دهند؛ زیرا وراثت که از طریق انتقال ژن‌ها صورت می‌پذیرد، راه انتقال صفات است و هر میزان که یک ژن در والدین بنا بر هر یک از دلایل فوق کاهش یا افزایش پیدا کند و به نسل بعد بیش یا کمتر از نسل گذشته منتقل شود به همان میزان ژنوتیپ و به تبع آن فنوتیپ نسل آینده تغییر می‌کند. در صورت تداوم این رویه در چند نسل، پدیده فرگشت رخ می‌دهد.

انتخاب مصنوعی که توسط عامل غیرطبیعی مانند انسان رخ می‌دهد می‌تواند باعث ایجاد جهش در ژنوم یک جاندار شود. در این صورت یک ژنوتیپ تراریخته حاصل می‌شود که ژنوم و فنوتیپ متفاوتی نسبت به نسل قبل به بار می‌آورد که لزوماً نسبت به نسل قبل مطلوب‌تر نخواهد بود؛ زیرا بسیاری از جهش‌ها در طبیعت باعث ایجاد موجودات تراریخته‌ای شده که نتوانسته‌اند دوام بیاورند.

در بحث‌های ژئوپلیتیک نیز همین مسئله جاری است. زمانی که در یکی از مؤلفه‌های ژئوپلیتیک که به مانند ژن‌ها عمل می‌کنند، تغییری ایجاد شود، این تغییر ممکن است در اثر عوامل طبیعی یا مصنوعی و... رخ دهد. پس از تغییر در ژنوم در فنوتیپ و رفتار آن سازه ژئوپلیتیکی که دولت است، تغییر رخ خواهد داد. در نمودارهای زیر که توسط نگارندگان ترسیم شده، آمده است.



شکل شماره ۱. تغییرات ژن و ژنوم جهش یافته (یافته‌های نگارندگان)



شکل شماره ۲. فنوتیپ حاصل از هر یک از ژنوم‌ها

اگر فنوتیپ حاصل از ژنوم فوق یک شش‌ضلعی در نظر گرفته شود که هر یک از ژن‌های موجود در ژنوم مسئولیت تعیین شکل یکی از اضلاع را برعهده داشته باشند؛ فنوتیپ حاصل از هر یک از ژنوم‌های فوق به صورت شکل (۲) خواهد بود.

مطالعه ژن‌ها در یک موجود زنده این امکان را فراهم می‌کند که مسئولیت ژن‌های مختلف در ژنوم آن‌ها شناسایی و در صورت نیاز تغییرات آن پایش شود و میزان تأثیرگذاری آن بر فنوتیپ موجود مورد بررسی قرار گیرد.

اگر فرض گرفته شود محیط زیستی شش‌ضلعی فوق به نحوی است که نازک بودن دیواره‌های آن امکان مقابله با مخاطرات موجود در محیط را به شکل بهتری مدیریت کند (به‌طور مثال نیازمند برخورداری از سرعت بیشتر باشد) موجودات با فنوتیپ اولیه از برتری برای زیست در چنین محیطی برخوردار هستند و باگذشت زمان جهش رخ داده در این‌گونه جانوری شکست می‌خورد و ژنوم اولیه حفظ خواهد شد. اما اگر در محیط زیستی شرایط به نحوی باشد که برخورداری از ضلع‌های قوی‌تر برای زیست مناسب‌تر باشد (مانند نیازمندی برای برخورداری از توان تحمل ضربه‌های بیرونی به ضلع‌ها) موجودات با فنوتیپ جهش‌یافته از برتری برخوردار خواهند بود و به‌مرور زمان ژنوم جهش‌یافته برتری جمعیتی پیدا خواهد کرد. بنابراین ماندگاری یا عدم ماندگاری موجودات جهش‌یافته به شرایط محیطی آن‌ها بستگی دارد و میزان سازگاری آن‌ها با محیط، گزاره‌هایی هستند که برای برآورد میزان ماندگاری یک جهش می‌توان مورد مطالعه قرار گیرد.

در صورت اعمال قاعده‌های ژنتیکی ذکرشده در مسائل ژئوپلیتیکی، ساختار مفهومی برای فهم مسائل و تغییرات در مسائل ژئوپلیتیکی یک کشور به‌صورت ذیل قابل فهم خواهد بود و مفاهیم ژنتیکی و ژئوپلیتیکی به این شکل برابر می‌شوند.

❖ ژنوم = (ژنوم ژئوپلیتیک) مجموع ساختار، ترکیب، شکل، نوع، کارکرد، توالی و

اثرگذاری مؤلفه‌های ژئوپلیتیک یک کشور؛

❖ ژن = مؤلفه‌های ژئوپلیتیک؛

❖ جهش = (نو ترکیبی ژئوپلیتیک) تغییر در یک یا چند مؤلفه ژئوپلیتیک؛

- ❖ تراریخته = (تراریختگی ژئوپلیتیک) کشوری که یک یا چند مؤلفه ژئوپلیتیک آن توسط عوامل غیرطبیعی دستخوش تغییر شده‌اند؛
 - ❖ جهش‌یافته = (مؤلفه نو ترکیب) کشوری که به واسطه تغییر در یک یا چند مؤلفه ژئوپلیتیک خود دچار تغییراتی شده که سایر بازیگران حاضر در محیط مجبور به بازتنظیم روابط خود با آن کشور هستند؛
 - ❖ مهندسی ژنتیک = (مدیریت ژئوپلیتیک) ایجاد تغییر در ساختار، شکل، نوع، کارکرد، توالی، اثرگذاری و ترکیب مؤلفه‌های ژئوپلیتیک یک کشور؛
 - ❖ فنوتیپ = (رفتار سیاسی)؛
 - ❖ ژنوتیپ = (ژنوتیپ ژئوپلیتیک) بیان عددی و نمای ژنوم ژئوپلیتیک؛
 - ❖ انتخاب طبیعی = (تغییرات طبیعی) تغییرات ژئوپلیتیکی ناشی از مؤلفه‌های طبیعی و عدم دخالت عوامل انسانی؛
 - ❖ انتخاب مصنوعی = (تغییرات مصنوعی) تغییرات ژئوپلیتیکی غیرطبیعی که توسط انسان و عوامل انسانی برنامه‌ریزی و ایجاد می‌شود.
- اصل هاردی-واینبرگ^۱: توارث تنها راه تغییر در ژنوم نیست؛ زیرا اگر مقرر شود در یک جمعیت در ژنوم و تناسب ژن‌ها تغییر رخ ندهد باید پنج شرط رعایت گردد؛ این شروط به محیط مربوط می‌شود. زمانی تعادل هاردی-واینبرگ در یک جمعیت وجود دارد که فراوانی آلل‌ها از نسلی به نسل بعد ثابت بماند؛ در این صورت تکامل رخ نداده و تعادل ژنتیکی برقرار است. پنج شرط عبارت‌اند از:
- ❖ جفت‌گیری تصادفی باشد (همه افراد شانس مساوی برای جفت‌گیری داشته باشند)؛
 - ❖ هیچ نوع جهشی صورت نگیرد؛
 - ❖ هیچ‌گونه مهاجرتی انجام نشود؛

- ❖ جمعیت جامعه زیاد باشد^۱ (در جوامع کوچک شارش ژنی بیشتر رخ می‌دهد)؛
- ❖ هیچ‌گونه انتخاب طبیعی رخ ندهد.

در چنین شرایطی ژنوم بدون تغییر می‌ماند و نسل‌ها با یک ژنوتیپ ادامه پیدا می‌کنند؛ این امر نشان‌دهنده حضور عوامل خارج از سازوکار توارث است که باعث تغییرات بین نسل‌ها می‌شوند (علی‌بیگ، ۱۳۸۱: ۵۵-۶۲).

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق به روش توصیفی-تبیینی با تکیه بر منابع اسنادی و کتابخانه‌ای انجام شده است. نویسندگان در این پژوهش درصدد هستند با استفاده از اصول ژنتیکی مسائل ژئوپلیتیک را تبیین کنند؛ لذا تحقیق ماهیت میان‌رشته‌ای دارد.

۴. یافته‌های تحقیق و تجزیه و تحلیل داده‌ها

۴-۱. یافته‌های تحقیق

ژن‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر سیاست خارجی افغانستان عبارت‌اند از: بی‌ثباتی سیاسی موجود در افغانستان، ماهیت تحمیلی مرزهای این کشور، موقعیت نسبی (نقش حائلی افغانستان)، تنوع قومی و زبانی، هیدروپلیتیک هیرمند و دیپلماسی آب، ژنوم محصور بودن در خشکی، ژئوپلیتیک مواد مخدر، مهاجران و پناهندگان افغان (خلیلی و همکاران، ۱۳۹۲: ۴۷-۴۱). در پژوهش حاضر از میان ژن‌های ژئوپلیتیک ذکرشده، ژن قومیت مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا شیوه تحلیل مبتنی بر رویکرد ژنتیکی-ژئوپلیتیکی در این زمینه بیان گردد. با توجه به درهم‌تنیدگی ژن قومیت و ژن مهاجران افغان که یکی از آثار تبعی آن است، تأثیر تغییر در ژن قومیت در ژن مهاجران نیز نمود واضحی داشته است.

۴-۱-۱. قومیت به مثابه ژن ژئوپلیتیک

اگر قومیت به مثابه ژن ژئوپلیتیک در نظر گرفته شود، هر یک از اقوام افغانستان به عنوان یکی از آلل‌ها برای تعیین صفت مورد بحث که «ترکیب قومی» در این کشور است، مطرح

۱. این گزاره برای جلوگیری از شارش ژنی توصیه شده است.

می‌شوند. در میان اقوام موجود در این کشور، چهار قوم از تعیین‌کنندگی بالاتری در ساختار قدرت برخوردار هستند؛ این اقوام جمعیت بالاتر و توان اجتماعی بیشتری دارند. مهم‌ترین و بارزترین اقوام در افغانستان عبارت‌اند از: پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک. در این میان تنها اقوامی که حکومت بر سرزمین افغانستان را تجربه کردند، پشتون‌ها و تاجیک‌ها هستند. قوم تاجیک دو تجربه بسیار کوتاه‌مدت در این زمینه داشته و اکثر تاریخ افغانستان با حکومت پشتون‌ها سپری شده است. بنابراین قوم پشتون و وقایع مربوط به این قوم به دلیل آن‌که می‌توان موارد ذکرشده را با غالب بودن یک ژن در ژنتیک برابر دانست، حائز اهمیت ویژه می‌شود؛ به عبارت دیگر همان‌طور که در ژنتیک یک ژن غالب علی‌رغم حضور ژن مغلوب می‌تواند صفت موردنظر را مطابق خود انتقال دهد، قوم پشتون نیز با توجه به جایگاه برتری که در افغانستان داشته توانست تعیین‌کننده سرنوشت این کشور باشد؛ مواردی که تاجیک‌ها توانسته‌اند به قدرت دست یابند را می‌توان با وضعیت حضور دو آلل مغلوب در کنار یکدیگر و ایجاد «هموزیگوت»^۱ بیان کرد.

۱-۱-۴. قوم پشتون

پشتون‌ها علی‌رغم آن‌که بین دو کشور افغانستان و پاکستان تقسیم شده‌اند و خط «دیوراند»^۲ آن‌ها را از یکدیگر جدا کرده اما یک راه مشترک، آموزه‌ها و ارزش‌های مشترکی برای زندگی دارند.

به‌طورکلی اقوام در افغانستان به شکل کاملاً خط‌کشی شده‌ای قابل‌تفکیک نیستند اما برای هر قوم مؤلفه‌ها و مشخصه‌هایی وجود دارد که می‌توان بر اساس آن‌ها اقوام را از یکدیگر جداسازی کرد؛ پرواضح است این تفکیک‌ها دارای درصدی از خطا هستند. برخی از ویژگی و مشخصه‌های قوم پشتون عبارت‌اند از:

❖ پشتون‌ها معمولاً با زبان «پشتو»^۳ و فارسی «دری» صحبت می‌کنند؛

1. Homozygous

2. Durand Line

۳. زبان پشتو از زبان‌های ایرانی است که انشعابی از زبان فارسی محسوب می‌شود؛ این زبان ترکیبی از زبان‌های فارسی، هندی و عربی را در خود دارد و با الفبای فارسی نوشته می‌شود.

❖ به لحاظ دینی اکثر آنان حنفی مذهب هستند، به‌ندرت شیعیان دوازده‌امامی در بین آن‌ها دیده می‌شود (مارسدن، ۱۳۷۹: ۲۶-۲۸)؛

❖ پشتون در درون خود بر اساس نیای پدری خود را به دسته‌ها و گروه‌های فراوانی تقسیم می‌کند و قبیله‌گرایی در بین آن‌ها بسیار رواج دارد (گلنزر، ۱۳۷۷: ۲۲۹).

پشتون‌ها، ویژگی‌های خاصی دارند که باعث شده به‌عنوان یک ژن در ساختار ژنوم ژئوپلیتیک افغانستان با کنار هم قرار گرفتن با یک عامل محیطی که همان بنیادگرایی به شیوه «دیوبندی» است، یک صفت جدید و یک موجودیت تراریخته به نام «طالبان» را در افغانستان پدیدار سازند.

به‌عبارت دیگر، این پژوهش مدعی است پشتون به‌عنوان یکی از ژن‌های قومیت در افغانستان که به‌واسطه صفات و موقعیتی که پیش‌تر ذکر شد به‌عنوان ژن غالب قومیت در افغانستان وجود داشته؛ تلاقی این ژن با یک موقعیت محیطی که همان برخورد و تجمع شدن با ساختار مدارس مذهبی دیوبندی است، دچار جهش شده است؛ طالبان نیز حاصل این جهش در ژن پشتون است. در ادامه باید دید آیا این موجودیت نو ترکیب می‌تواند به‌عنوان یک جهش سازگار خود را با محیط سازگار سازد یا محکوم به شکست است.

از میان صفات قوم پشتون عواملی وجود دارد که به روند تلفیق دو عنصر قومیت و مذهب کمک کرده، «پشتونوالی»^۱ به‌عنوان یک ساختار عرفی برای رفتار اقوام پشتون مطرح است که در درون خود اصولی را جای داده است؛ از مهم‌ترین این اصول می‌توان به سه اصل ذیل اشاره کرد:

۱-۱-۱-۱. ۴. ننگ

این اصل در میان قوم پشتون بسیار حائز اهمیت است و در اصول پشتونوالی نیز وجود دارد. این کلمه در لغت‌نامه‌ها بیشتر به معنای حرمت و حیاء استفاده شده است؛ در جامعه پشتون در افغانستان نیز به همین معنا استفاده می‌شود اما این تنها معنای این کلمه نیست و

۱. اصول نانوشته و عرفی اقوام پشتون که پایه‌های اصلی رفتاری آن‌ها را بنیان گذاشته است.

در جامعه افغانستان یک معنای مشابه ناموس را در برمی گیرد ولی به شکل عام تر از معنای ناموس به کار برده می شود.

به عبارتی دیگر، در میان قوم پشتون ناموس بر سه مسئله اطلاق می شود:

❖ زن: به این معنا که به طور کلان باید از زنان خانواده، شهر و کلیه زنان پشتون یا ناموس افغان حفاظت به عمل آید؛

❖ زر: دومین گزاره زر است که به معنای عام اموال و دارایی است. پشتونها در مقابل دست درازی به اموالشان تا پای جان ایستادگی می کنند؛

❖ زمین: سومین گزاره زمین است. این گزاره به معنای خاص سرزمین پشتونها معنا پیدا می کند.

هر فرد پشتون باید صاحب ننگ باشد؛ یعنی در مقابل این موارد حساس بوده و دفاع از آنها را بر خود واجب بداند (ویلیام، ۲۰۰۲: ۵۷).

۲-۱-۱-۴. بدل

این اصل از پشتونوالی به معنای حق انتقام جویی است. مطابق این اصل هر فردی حق و وظیفه انتقام جویی دارد. در این اصل انتقام جویی خون با خون معنا پیدا می کند و ممکن است چند نسل به طول بینجامد.

مطابق این اصل اول باید شخص مورد مجازات قرار گیرد و اگر این امکان فراهم نشد، خانواده و قوم او هدف بعدی خواهند بود (ویلیام، ۲۰۰۲: ۵۷).

۳-۱-۱-۴. مهمان نوازی

یکی دیگر از اصول اساسی پشتونوالی، مهمان نوازی است؛ مطابق این آموزه پشتونها مهمان را گرمی می دارند (احمدی، ۱۳۷۸: ۴۸-۵۰). تلفیق سه اصل فوق شالوده رفتاری پشتونها را در مناسبات شخصی، اجتماعی و سیاسی تشکیل می دهد.

اگر میان اصول پشتونوالی و احکام اسلامی مغایرتی وجود داشته باشد، انتخاب پشتون‌ها اصول پشتونوالی است.

۲-۱-۱-۴. دیوبندی

آموزه‌های دیوبندی یکی از پایه‌های اصلی هویت طالبان است. از ترکیب این آموزه‌ها با پشتونوالی و رفتارها و خواسته‌های قومی پشتون، عنصر طالبان پدید آمده است؛ زیرا رهبران طالبان در مدارس مذهبی پاکستان که آموزه‌های دیوبندی بر آن‌ها حاکم است، تحصیل کرده‌اند.

دیوبندی و آموزه‌های آن در شبه‌قاره هند و دوره استعمار انگلیس ریشه دارد که در سال ۱۷۶۵م. بخشی‌هایی از خاک هند را تصرف کردند؛ مسلمانان از جمله کسانی بودند که در مقابل آن‌ها قیام کردند. در سال ۱۷۹۹م. با سرکوب شدن این مخالفان انگلیس توانست دهلی را به تصرف خود درآورد (ندوی، ۱۴۲۰ق: ۳۴۰). انگلیس‌ها رسوم مردم محلی و حکام سرزمین هند را از بین بردند؛ در این میان مسلمانان خسارات زیادی را متحمل شدند و بسیاری از مدارس مجبور به متوقف کردن فعالیت خود شدند (نهری، ۱۳۶۱: ۵۲۶). مدارس تحت نظارت انگلیسی‌ها فعالیت داشتند و کارکنان مناسب برای امور اداری و نهادهای دیگر برای انگلیس‌ها پرورش می‌دادند. برخی از علمای مسلمان با این مسئله مخالفت کرده و اقدام به راه‌اندازی مدرسه مذهبی برای جلوگیری از اشاعه روزافزون فرهنگ انگلیسی را لازم دانستند (مشیرالحسن، ۱۳۶۷: ۳۵۰) حاصل تلاش‌های مذکور شکل‌گیری مدرسه کوچکی در روستای «دیوبند» در حومه دهلی بود که مبادرت به تعلیم اسلامی دانش‌آموزان کرد.

«دیوبندیان» به افرادی گفته می‌شود که به لحاظ اندیشه‌ای پیرو «شیخ مجدد الف ثانی» و «احمد ابن عبدالاحد سرهندی» هستند و در کنار آن به تفکرات شاه ولی‌الله دهلوی و مدرسه دیوبندی که به «دارالعلوم دیوبندی» شهرت دارد، ارادت دارند (بامری، ۱۳۹۷: ۱۳۵).

دیوبندی‌ها همگرایی با سایر مذاهب اسلامی را لازم می‌دانند و قائل به مراجعه به تمام علمای مذهبی هستند؛ البته به شکل کلی به فقه حنفی و کلام ماتریدی پایبند هستند.

علی‌رغم شعار همگرایی از سوی این فرقه، در عمل با پیروان سایر مذاهب اسلامی در تضاد هستند؛ ازجمله مذاهب دارای اختلاف خصومت‌بار با دیوبندی‌ها می‌توان به بریلوی‌ها، مودودی، سلفیان غیرمقلد، اهل حدیث و شیعیان اشاره کرد (نارویی و شرفی، ۱۴۰۲: ۲۷۸).

۳-۱-۴. طالبان

واژه طالب در فرهنگ عامه افغانستان از سالیان بسیار دور وجود داشته است. به افرادی که در مدارس دینی تحصیل کرده و علوم دینی را تعلیم می‌بینند، طالب گفته می‌شود؛ اما از سال ۱۹۹۴م. با پیدایش و شهرت یافتن گروه طالبان که یک گروه از میان دانش‌آموختگان علوم دینی هستند، این عنوان معنای جدیدی پیدا کرد (رشید، ۱۳۷۹: ۱۴۳).

اکنون در افغانستان طالب به معنای حضور فرد در گروه طالبان است که به‌عنوان یک گروه خاص در جامعه افغانستان دارای هویت است. هویتی که اگرچه بر دو پایه مذهب حنفی و فرقه دیوبندی از یک‌سو و قوم پشتون و آموزه‌های پشتونوالی از سوی دیگر بنا شده است؛ اما با هردوی آن‌ها متفاوت است و نمی‌توان طالبان را مساوی با هیچ‌یک از دو گزاره مذکور دانست بلکه یک موجودیت جدید با مختصات، منافع و ویژگی‌های خاص خود است.

۲-۴. تجزیه و تحلیل داده‌ها

آنچه در موضوع ژنوم ژئوپلیتیک به آن پرداخته شد این است که سیاست خارجی کشورها معلول ژنوم ژئوپلیتیک آن‌ها است که بر اساس توانایی‌های ژئوپلیتیک خود در مقابل کدهای ژئوپلیتیک همسایگان و رقبای خود به آن شکل داده‌اند. در این پژوهش به این مسئله پرداخته شد که ژنوم ژئوپلیتیک بر اساس روابط و دانسته‌های ژنتیکی چگونه سامان می‌یابد؛ بنابراین این‌گونه بیان می‌شود که ژنوم ژئوپلیتیک یک کشور از جمعی از ژن‌های ژئوپلیتیک (مؤلفه‌های ژئوپلیتیکی) آن کشور شکل می‌گیرد و هر ژن می‌تواند در اثر انتخاب‌های طبیعی و مصنوعی جهش‌ها و مهاجرت دچار نوترکیبی یا تراریختگی شود.

در تطبیق این روش تحلیل در ژنوم ژئوپلیتیک افغانستان، ژن «قومیت» مورد مطالعه قرار گرفت. مشخص گردید در این ژن که از آل‌های پشتون، هزاره، تاجیک، ازبک و سایر اقوام افغانستان تشکیل شده، قوم پشتون «ژن غالب» است. این ژن غالب در مواجهه با ایدئولوژی و آموزه‌های دیوبندی دچار تغییراتی شده و یک جهش در درون آن رخ داده که به پیدایش یک موجودیت جدید به نام طالبان منجر شده است؛ این موجودیت جدید یک گونه نو ترکیب است (اگر در پژوهش دیگر به این مقوله پرداخته شود و اثبات گردد که پیدایش این گونه نو ترکیب در اثر انتخاب مصنوعی و به اراده انسان بوده است، طالبان تراریخته محسوب می‌شود).

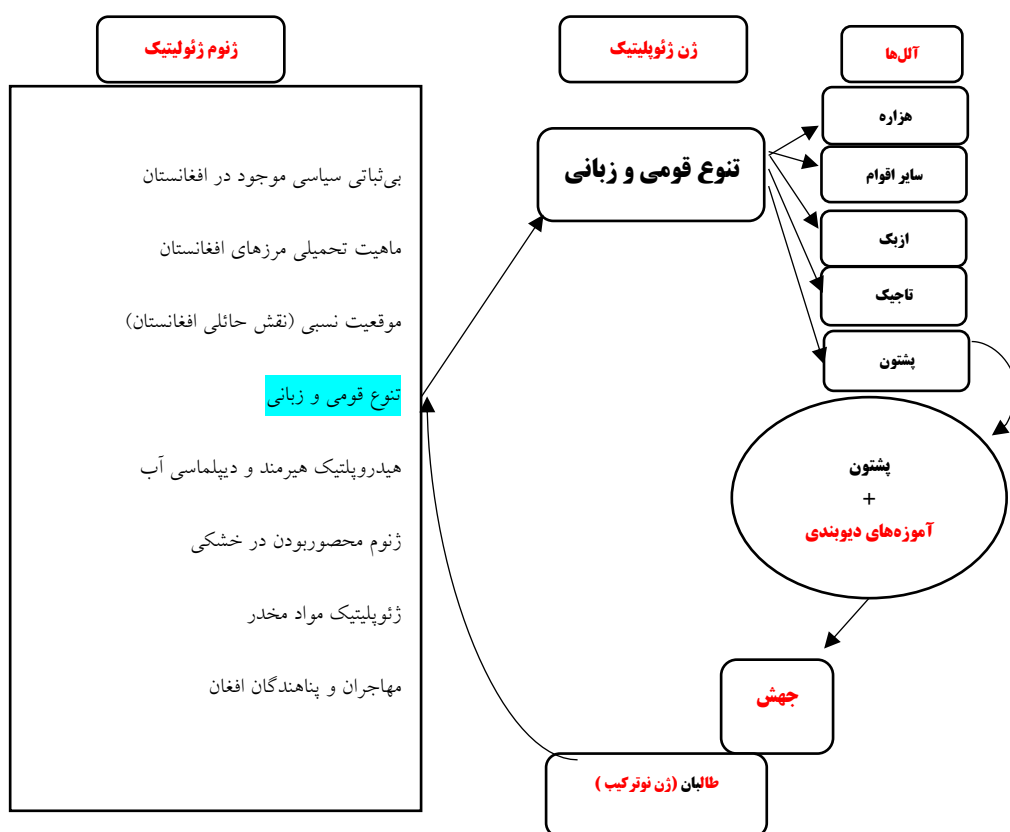
با توجه به این‌که در این پژوهش مسئله پیدایش طالبان بر اثر انتخاب طبیعی یا مصنوعی مورد بررسی قرار نگرفته، در ادامه از پشتون به عنوان یک سویه نو ترکیب یاد خواهد شد. این جهش در یک ژن باعث شده ژنوم ژئوپلیتیک افغانستان تغییراتی را تجربه کند؛ همچنین در ترکیب ژن قومیت در این کشور به واسطه بروز جهش مذکور «بانک ژن» قومیت تغییرات عظیمی داشته؛ زیرا جمعیت قابل توجهی از افراد غیر طالب از اقوام مختلف از افغانستان مهاجرت کرده‌اند، پس تحت هیچ عنوان نمی‌توان مدعی وجود «تعادل» در جامعه افغانستان در وراثت‌پذیری قومیت بود.

در کنار تغییرات رخ داده در ترکیب و تکثر اقوام مختلف یک پدیده جدید نیز شکل گرفته است. در کنار اقوام افغانستانی که پیش‌ازین ذکر شد، طالبان به عنوان یک سویه جدید در افغانستان جایگاه ژنی پیدا کرده؛ زیرا ژن پشتون و ژن طالب در صفت قومیت انتقال‌دهنده صفات متفاوتی هستند و فنوتیپ‌های گوناگونی را حاصل می‌کنند. در ادامه شرایط محیطی موجود در افغانستان تعیین خواهد کرد کدام یک سازگاری بیشتری با زیست در افغانستان دارند و این‌که آیا جهشی که رخ داده توانسته یک سویه سازگارتر نسبت به شرایط تولید کند یا خیر؛ سؤالی که پاسخ آن تعیین می‌کند جهش مذکور توانایی تأثیرگذاری طولانی مدت در ژنوم ژئوپلیتیک افغانستان را دارد و تبدیل به یک فرگشت در ساختار ژنوم ژئوپلیتیک این کشور خواهد شد یا به یکی از جهش‌های ناموفق تبدیل خواهد شد که در طول تاریخ بارها و بارها موجودیت‌های نو ترکیب را حاصل کرده‌اند و

به واسطه ناسازگاری با محیط شکست خورده و نتوانستند در سیر تکامل و فرگشت جایگاهی داشته باشند.

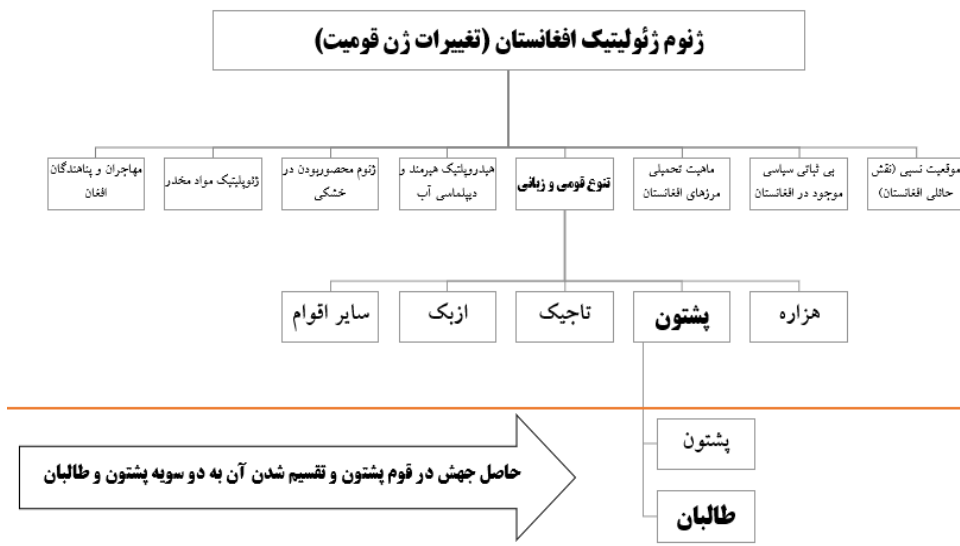
مدل تأثیرگذاری یک ژن در ژنوتیپ و به تبع آن نمود ظاهری صفت در فنوتیپ و ساختاری ژنوم ژئوپلیتیک یک کشور که تعیین کننده سیاست خارجی آن است به شکل ذیل قابل فهم است.

شکل شماره ۳. مدل تأثیرگذاری یک ژن در ژنوتیپ و نمود ظاهری صفت در فنوتیپ و ساختاری ژنوم ژئوپلیتیک یک کشور

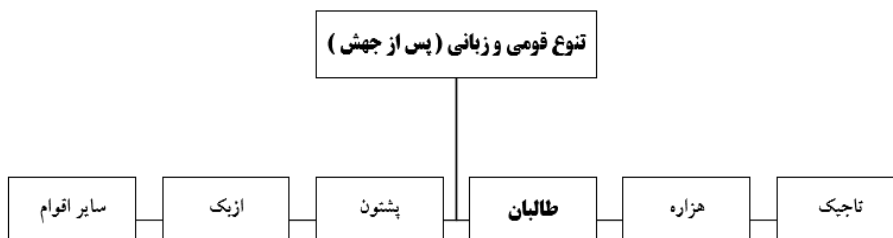


فلش‌ها در مدل نشان‌دهنده چرخه تغییر در یک ژن و ایجاد ژن

نو ترکیب و باز تولید ژنوم ژئوپلیتیک مبتنی بر صفات جدید ناشی از تغییرات ژنی هستند.



※وضعیت ژن قومیت در افغانستان پس از جهش در قوم پشتون و تبدیل شدن ژن نوترکیب طالبان به ژن غالب



شکل شماره ۴. مدل استخراجی پژوهش (یافته‌های نگارندگان)

۵. نتیجه‌گیری

با توجه به یافته‌های پژوهش می‌توان به چند مؤلفه تأکید کرد. این‌که برخی از مفاهیم ژئوپلیتیکی به‌صورت محتوایی در گذر زمان و ناشی از تغییرات در برخی از مؤلفه‌های موجود در محیط دچار تغییر می‌شوند و تابعی از وضعیت محیط و نظام آموزش‌پذیر اجتماعی هستند. در این میان مؤلفه قومیت در جغرافیای افغانستان مورد مطالعه قرار گرفت. بر اساس یافته‌های پژوهش مفهوم قومیت در افغانستان با تکیه بر چند قوم

پرجمعیت در این کشور نمود اجتماعی/سیاسی پیدا می‌کند و در ساختار قدرت بروز و ظهور می‌یابد. این اقوام شامل تاجیک، پشتون، هزاره و ازبک هستند؛ سایر اقوام نیز نمود اجتماعی و سیاسی خود را از طریق ائتلاف با یکی از این اقوام انجام می‌دهند.

در دوره موسوم به جهاد در افغانستان بخش مذهبی قوم پشتون به‌سوی آموزه‌های دیوبندی سوق پیدا کرد (که به‌عنوان یک مؤلفه محیطی قلمداد می‌شود)؛ با ترکیب شدن اعتقادات مذهبی دیوبندی با سبک زندگی مبتنی بر پشتونوالی در بین قوم پشتون، یک سویه جدید به وجود آمد که دیگر نمی‌توان آن را یک گروه پشتون دانست بلکه یک هویت مستقل دارد، طالب‌ها که دانش‌آموزان علوم دینی بودند به یک گروه مستقل به نام طالبان تبدیل شدند.

در ادامه با استفاده از الگوهای ژنتیکی می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که طی سال‌های آینده افراد دارای هویت قومی متفاوت و اعتقادات مذهبی غیرمشابه با طالبان به‌واسطه تغییر در زیست‌بوم افغانستان به انتخاب بین تغییر در سبک زندگی برای بقا یا مهاجرت مجبور می‌گردند؛ این امر باعث تغییر در بانک ژنی افغانستان می‌شود و طالبان روزه‌روز درصد بالاتری از جمعیت افغانستان را به خود اختصاص خواهد داد و این نوعی فرگشت محسوب می‌شود.

منابع

الف - فارسی

- احمدی، حمید (۱۳۷۸). *قومیت و قوم‌گرایی در ایران*، تهران: نشر نی، چاپ هفتم.
- بامری، عبدالواحد (۱۳۹۷). «مبانی اطاعت از حاکم دینی در اندیشه سیاسی دیوبندیان»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، ۶ (۲۳)، ۱۵۲-۱۳۴.
- حافظ‌نیا، محمدرضا (۱۳۸۵). *اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک*، مشهد: انتشارات پاپلی.
- خلیلی، محسن؛ حیدری، جهانگیر؛ اصغری ثانی، حسین؛ و صیادی، هادی (۱۳۹۳). «ژنوم‌های ژئوپلیتیک تأثیرگذار بر کدهای رفتاری در سیاست خارجی ایران و روسیه»، *سیاست جهانی*، ۳ (۱)، ۷۱-۴۱.
- خلیلی، محسن (۱۳۹۰). «مفهوم قلمرو در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران: مرز جغرافیایی/بی‌مرزی عقیدتی»، *فصلنامه راهبرد*، ۲۰ (۱)، ۴۵-۷.
- خلیلی، محسن؛ حیدری، جهانگیر؛ و صیادی، هادی (۱۳۹۲). «پیوند کد و ژنوم ژئوپلیتیک در سیاست خارجی (مطالعه موردی: افغانستان و ایران)»، *فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل*، ۱ (۹)، ۷۲-۳۷.
- رشید، احمد (۱۳۷۹). *طالبان، اسلام، نفت و بازی بزرگ جدید*، اسدالله شفیایی و صادق باقری، تهران: انتشارات دانش هستی، چاپ اول.
- سعادت، مصطفی؛ امیرشاهی، پریش (۱۳۸۳). *مبانی ژنتیک جمعیت*، شیراز: انتشارات دانشگاه شیراز، چاپ اول.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۰). *ژئوپلیتیک در قرن بیست و یکم*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- علی‌بیگ، هنگامه (۱۳۸۱). *تکامل موجودات زنده*، تهران: انتشارات فیروزه، چاپ اول.
- فتحی، محمدجواد؛ عبدخدایی، مجتبی؛ و شیراوند، صارم (۱۳۹۷). «پیوند کد و ژنگان ژئوپلیتیک در سیاست خارجی: مطالعه موردی جمهوری اسلامی ایران و عربستان سعودی»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۶ (۲۴)، ۱۵۶-۱۲۵.

- گلنزر، برنت (۱۳۷۷). «آیا افغانستان در آستانه تجزیه قومی و قبیله قرار دارد؟»، *مجموعه مقالات افغانستان، طالبان و سیاست‌های جهانی*، عبدالغفار محقق، مشهد: انتشارات ترانه.
- مارسدن، پیتر (۱۳۷۹). *طالبان: جنگ، مذهب و نظام جدید در افغانستان*، کاظم فیروزمند، تهران: نشر مرکز، چاپ اول.
- مایر، ارنست (۱۳۶۶). *جمعیت‌ها، گونه‌ها و تکامل*، جمشید درویش، مشهد: نشر نیما، جلد اول و دوم.
- متولی‌زاده اردکانی، علی (۱۳۸۸). «ژنتیک رفتار و فرهنگ»، *مجله اخلاق پزشکی*، ۳(۷)، ۸۳-۶۵.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۸۱). *جغرافیای سیاسی و سیاست جغرافیایی*، تهران: انتشارات سمت، چاپ اول.
- محمدپناه، بهنام (۱۳۸۹). *فرگشت و ژنتیک*، تهران: نشر آمه.
- مشیر، حسن (۱۳۶۷). *جنبش‌های اسلامی و قومی در مستعمره هند*، حسن لاهوتی، مشهد: انتشارات آستان قدس رضوی.
- نارویی، محمد؛ شرفی، محبوبه (۱۴۰۲). «واکاوی رابطه مکتب دیوبندی با مذاهب اسلامی در شبه‌قاره هند»، *فصلنامه سیاست متعالیه*، ۱۱(۱)، ۲۷۱-۲۸۵.
- ندوی، ابوالحسن (۱۴۲۰ق). *رجال الفكر والدعوه فی الاسلام*، دمشق: دار ابن کثیر.
- نهرو، جواهر لعل (۱۳۶۱). *کشف هند*، جلد دوم، محمود تفصیلی، تهران: امیرکبیر.

ب- انگلیسی

- Benjamin, lewin. Genes 1x. (2008). *sudbury, Massachusetts, U.S.A* , Joones and Bartlett publisher.
- Dijkink, G (1998). "Geopolitical Codes and Popular Representations", *GeoJournal*, 46(4).
- Taylor, P.J (1993). *Geopolitical World Orders*, London: Balhaven Press.
- William o. Beemam (2002). *fighting the good fight: fundamentalism and religious revival in J. macclancy, ed.* Anthropology for the real world. Chicago: university of Chicago press: <https://www.chathamhouse.org/2022/08/afghanistan-one-year-taliban-rule>.